نقدحقوقى پيشنويسقانون سازمان نظامرسانهاى -بخشدوم

نەھركەسربتراشدقلندرىداند



.رر کی ..ر غانه این پیشنویس سرشـــار از انواع اغلاط نگارشی و ادبی و خطاهای بزرگ حقوقی و رسانهای استِ که شــمردن همه آنها مجال بسیار میخواهد. فعلاً آن اغلاط ادبی و نگار شے را به کنار می گذاریم و در این مقال به ذکر برخی ایرادات اساسی حقوق سانهای پسندهمی کنیم

رست. ۱ - عنوان این متن عبارت است از «پیشنویس قانون سازمان نظام رسانهای». هر دانشجوی حقوق و هُر کَس که اندک آشنایی با مسائل قاتونی و اداری دارد، به خوبی می داند که در واژهشناسی حقوق عبارتی به نام «پیشنویس قانون» وجبود ندارد. هر متنی قبل از این که قانون بشود یا الایحه است که نولت تنظیم و تقدیم می کند. یا اطرح است که نمایندگان تنظیم و تقدیم می کنند. اگر نویسندگان این متن کمترین آشنایی به دانش حقوق یا فر آیند قانون نویسے وقانون گذاری داشتند باید برای این متن عنوان دیگری، مانند «پیشنویــس لایحُه» یا «، بیشنهادی...هیگذاشتند

۳-ایراد بعدی در عنوان این متن مربوط به کلمه ارسانه، است. «رسانه» واژهای است که تعداد زیادی ر از مصادیق مختلف را در بر می گیرد. رادیو، تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سینما، پخش خانگی لوح فشرده و خیلی چیزهای دیگر. در قانون گذاری، عنوان باید . جامع و مانع باشد. این نوع کلی نویسی های مبهم در شأن هيچقانوني نيست.

ت ہے ۔ رہی ۔ ۳-مادہ ۱،این پیش نویس را به اصول بیست و چھارم ناظر بر اصل آزادی مطبوعات و اصل یکصد و شـصت و هشــتم مربوط بــه نحوه رســيدگی به جرايم مطبوعاتي اسـت اما نکته اينجاست که اين بیشنویس ظاهراً درمور د «سازمان حرفهای صنف ر وزنامه نگار» است. اگر مسامحتاً بپذیریم که اصل بیست و چهارم قانون اساسی پایه و اساس همه امور مطبوعات و روزنامه نگاران است و می تواند پایه این وزنامهنگار» است. اگر مُسـامحتاً ب قانونُ باشد، ُامَا، این پیشَ نویس هیچ ارتباطی با اصل كصدو شــصت و هشــتم ندار د. درواقع بهطور كلى مُوضوعُ اصل یکصُدو هشتم قانُون اسُاسی نمی ُتواند مبنای قانون اساســی برای موضوع تشــکل صنفی وزنامهنگاریباشدواین خطای این پیشنویس است رر ئەاين دو موضوع رابەھم ربط دادەاست

در مورد تشکل های صنفی غفلت یا تفافل کرده ست که آن عبارت است از اصل بیست و ششم قانون اساسی که بیانگر اصل «آزادی تشکل ها ُ است و مقرر مىدارداحزاب، جُمعيتُها، انجمنهای سياس سنفی و.. آزادند. در این پیشنویس که موضوع آن یک تشکل صُنفی و حرفهای است، اصولاً این اصلی ست که باید مبنای پیشُ نویس باشد و َبر مبنای آن استقلال حرفهای صنفی مفهوم می یابد. این خطا در مبانی این پیشنویس موجب گمراهی کامل ان نیز شده است. زیرا نویسنده با نویسندگان متن از هماًن خشت اول، كُژراُهه رفتهاند ّو درحالي كه به مسب ظاهر متر صد تقرير متنى در مور ديک ساز مان صنفی بوده و می بایست استقلال صنفی را پایه و مبنای کار قرار دهندامااین پایه را کنار گذاشتهاند.

۴-این متن همچنین مستند شده است به بند الف مــاده ١٠ قانــون برنامه پنجم مــاده ١٠ دولت را موظف کردہ است بہ منظور ساماندھی فضّای سانُهای کشَــور کارهایی را به انجام رساند. یکی از ين اقدامات در بَنَدالفَ چنينَ بيان شده اس تدوین، نظام حامع رسانه «تا بایان سال اول برنامه ارویکرد تسهیل فعالیتهای بخش غیردولتی اداین متن بر أين ادعاست كه در اجراى اين تكليف قانوني عمل مى كند. ادعايى مردود است زيرا اولاً بندالف عمل می کند. ادعایی مردود است زیرا اولاً بندالف ماده ۱۰ دولت را مکلف به تدوین لایحه و وضع قانون از طریق مُجلسُ نکرده است، ثانیاً موضوع آن «نظام جامع رسانه ها» است. بگذریم از این که تاکنون کسی نتوانسته است تعریف و معنایی از این تعبیر مغلوط انظام جامع رسانه هااار أيه دهدولي هر معنايي داشته انظام جامع رساحه الربي المست که در باشد، قطعاو یقیناً معنای این واژه چیزی نیست که در این پیشنویس آمده است. ثالثاً هدف بندالف ماده ۱، بنا به صریح عبارت آن، «تســهیل فعالیتهای بخش غیردولُتی اسُت. حال آن که مرور مختصر ایــن پیشنویس کاملاً نشــان میدهد کــه اگرچه سازمان نظام رسانهای، به ظاهر شخصیت حقوقی غیر دُولتی داردُ، اما دولت و نهادهای حکومتی آنقَدر در جایِ جای آن مداخله مســـتقیم و موثر دارند که مطلقاً نمى تواند مصداق ا تسهيل فعاليت هاى بخش

بر-رسی بـــــ ۵-بندیکازماده۲پیشنویس،در تعریفسازمان نظام رسانهای، از این ســـازمان به عنوان «مؤسسهای حرفهای و...» نام برده است. مستفاد از کلمه حرفهای در این متن این است که سازمان نظام رسانهای مربوط به صنف فعالان رسانهای است. در این صورت گر این سازمان، یک سازمان حرفهای است، حضور د دداکثری مُقامات دولتی و حکومتی در این سازمان' چەدلىلىي دارد؟ اين مقامات چــەار تباطى با حرفه پ روزنامهنگاری دارنــد که باید در سراســر ارکان این سازمان حضوری بسیار مؤثر تر از خود روزنامهنگاران داشته باشند؟ ممكن است در پاسخ به شأن نظارتي

دولت اشــاره کنندامــا در اینجا این پاســخ کاملاً

ادرست و غلط است. زیرا دولت در این متن مداخله ر ہے۔ عرابی کاملاً موثر داردو این با نظارت کاملاً متفاوت

ت. ۶-بند ۲ ماده ۲،به تبعیــت از عنوان پیشنویس ىصادىق رسانە را تعيين كردە و اُعلام مى كند: «كليە وسایل ارتباط ُجمعی اعم از نُوشــتاری، دیداری و شــنیداری، مجازی و...، رســانه محسوب می شوند. عنوان این متن (پیش نویس قانون نظام رسانه ای) و این مصادیق، ما را به این نتیجه می رساند که این متن مربوط به کلیه امور و فعالیت رسانه هاست. به عبارت دیگر متفاهم عرفی از کلمه «رسانه» در این پیشنویس این است که این متن باید ناظر به کل سازمان هر رسانهای، اعم از رادیو و تلویزیون و وعُــات و خُبر گزاریها و.. باشــد. حَال أَنْ کُه بِهُ ئواهى خود متن، اين پيشنويــس فقط مربوط به روزنامه نگاران، یعنی بخشی از سازمان رسانه اُست. بنابراین کلمه رسانه در این قانون، کلمه غلطی است و به جای آن باید از کلمه روزنامه نگار و خبرنگار استفاده

ی این متن اصلاً به این مهم کمترین توجهی نداشته است که در قانون نویسی، کلمه ها چقدر اهمیت دارند و تقصیر و تسامح در استخدام کلمه ها، گناهی نابخشودنی است و تالی فاسد فراوان ایجاد می کند. ہاں۔ ہے خطاہای فاحش نشان

مى دهند كه ايسن متن چقدر با اصولاً وصف «حرفهای» برای کلمه روزنامه نگار، موضوع خود، یعنی روزنامهنگار و دانش حقــوق و فــن نگارش وصفی بی مورد و بی جاست و مقوقیوقانونی بیگانهاست. ۷-تعریفِ روزنامهنگار در این علوم نیست برای چه هدف یا منظوری باید آن را به کار متن کاملاً ذهنسي، غيرواقعي و برد. روزنامهنگاری یک کار است. حال یک روزنامه نگار ناسازگار با شرایط روزنامهٔنگاری ایسران اسست ایسن متسن بسه خلاف ظاهسر، اساسساً نمی داند ر روزنامەنــگارى ايران چيسـ نا به بند ۳ مــاده ۲۰٫ و زنامهنگار

پر کار است و دیگری کم کار. یکی شاغل است و دیگری خیر. در سایر مشاغل سیار به ندرت ممکن است وصف«حرفهای» به کار رود. ک نفر است با بقال اس هرگونه محتـوای نوشــتاری، دیداری، شنیداری و ارایه اخبار و قاضی است یا پزشک .. پائیست. و... یائیست. وقايع جارى وتحليل وتفسير آنها ت.»رکن اصلی این رر تعریفاشغل اصلی نهفته است و روزنامهنگاری که شغل اصلی

و روز نامه نگاری محسوب نشود، حرفهای محسوب نشده و در نتیجه در سازمان نظام رسانهای نمی تواند عضویت پیدا کند (مستفاداز تبصرههای ۲ و ۳ ماده ۲) ودرنتیجه تحت حمایت قانون قرار نمی گیرد (تبصره اً ماده ۲). چنین تعریفی با واقعیت روزنامهنگاری ایران مطابقت ندارد. واقعیت این است که به دلیل *فبر گزاری هـــا تکافوی یک زندگـــی معمولی را هم* نمی دهدو کم نیستندروزنامه نگارانی که باوجود کار زیاد در یک نشریه یا خبر گزاری، ناچارند که نیمی از وقت خُود را در مراکز دیگری مانند روابط عمومی ها یا دفاتر تبلیغاتی و مانند اینها کار کنند و بخشــی از درآمد اصلی خسود را از این محل تأمین کنند. البته روزنامه های دولتی یا وابسته به سازمان های عمومی (مانند شهرداری تهران) و خبرگزاری دولت (ایرنا) و نیزخبرنگاران صداوسیمابه دلیل برخورداری سازمان متبوعه آنها از بودجه عمومی از نظر مالی، نسبت به

سایر رسانه ها از وضع بهتری برخور دارند. ایراد این

و تحليل حقوق.

کار شناسے از انواع ر سانہ ہا و ماہیت و کار کر د آنہاس

سریمسیوی طورنیست ۸-تقریبا در اکثریت قریب به اتفاق نشسریات وخبر گزاری هسای اسستانی و شهرسستانی، اغلب روزنامه نگارانی کمفعالیت می کنند، کارروزنامه نگاری را بهعنوان کار دوم انجام داده و اگر هم بابت کار خود وخبرگزاریهـای مزددریافت کنند، بسیار ناچیز است. این گروه یا شهرستانی به دلیل گستره توزیع و در آمدهای اندک، سین مسیره بوریغ و در امدهای اندک، روز نامه نگارانی که شیغل اصلی آنها روز نامه نگاری باشید، کمتر

ق تکمله:اصولاً وصف⊪حرفهای⊪ ت بــرای چــه هــدف یا

فرهنگی، کارشناس حوزه و به انتخاب شورایعالی فضای مجازی سوال اصلی این است که حضور این اشخاص در یک تشکل صنفی چه دلیل یا توجیهی می تواند داشته باشد؟ این نهاد یک سازمان دولتی است یا یک تشکل صنفی؟ اما سیطره مقامهای

دانُشجُويند ياشغل اصلى أنها چُيز ديگريست. حُتى مى توان گفت در نشريات و خبر گزارىهاى استانى و

به رزر یافت میشوند. چنین تعریفی از روزنامهنگاری،عملاگروهپرشمار هُ مُؤثری از روزنامهنگاران واقعی کشــور را از حق مشــارکت در سرنوشت حرفهای خود محروم

برای کلمــه روزنامهنگار، وصفی بیمــورد و بیجاســت و معلوم منظوری باید آن را بــه کار برد. روزنامهنــگاری یک کار اســت. رار حال یک روزنامهنگار پر کار است و دیگــری کم کار. یکی شــاغل اُست و دیگری خیر. در سایر مشاغل بسیار به ندرت ممکن است وصف حرفه ای به کار

رود. يكُ نفر استُ يا بقال است ياً قاضے ،است یا پزشک و.. یا نیست، در عرف زبانی واژه انجار حرفهای، یا ابقال حرفهای، یا او کیل حرفهای، با امکانیک حرفهای، به ندرت استفاده می شسود مگر زمانی که قصد بیان خُبرویت و تسلط کاری و رمر کی تخصص زیاد کسی در میان باشد. وصف «حرفهای» برای روزنامهنگاری وصف زائد و بیهودهای است و رُ به کار مُجَادلُههای بیمورد یا محدود کردن

رورسهنداری به کارمی رود. ۹- یکی از ارکان سازمان «شورایعالی» است. در ترکیب ۱۵ نفره این شسورا۶ عضواز مقامهای عالی حکومتی و دولتی آند که عبار تند داز وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نماینده محلس. ۱۵:

دولتی بر شــورایعالی به همین۶نفر ختم نم

ت این مقاله که در شماره گذشته منتشر شدمبانی نظری متن پیش نویس قانون ساز مان نظام

رسانه ای را به رشته نقد کشید و بر اساس مفاد آن نشان داد که مبانی نظری این پیش نویس بر سه پایه

استوار شده است که عبار تنداز: نفی استقال حرفه روز نامه نگاری و تلاش برای وابستگی تشکل صنفی روز نامه نگاری بـه دولت و حکومت ، تغییر و تبدیـــل اصل آزادی مطبوعات (اصل پیســــت و چهارم قانون

اساسے) به اصل محدودیت مطبوعات و بالاخر ه یکسان پنداری انواع رسانه های دیداری (تلویزیون) و

شنیداری(رادیو)،نوشتاری(نشریات)و مجازی که این یکسان پنداری تصور و تحلیلی کاملا غلط و غیر

ر حایل حقوقی مواد پیش نویس، برخی از مهم ترین ایرادات حقوقی وارد بر آنها را، که از نگاه نویس مداقل شامل ۱۳۷ یرادبنیادین است، مطرح و تحلیل می کند.

باید توجه داشت که بقیه اعضای شـورایعالّی نیز از میـان روزنامهنگارانی انتخاب می شـوند که قبلاً توسط «هیأت نظارت بر انتخابات» که تماماً مقامات بولتر اند،مور د تأسد صلاحت قرار گرفته انداز سوی دیگر ایسن ترکیب کاملاً غیرصنفُسی و غیرحرُفه ای مهم ترین وظایف و اختیارات این سازمان را برعهده دارد که عبار تنداز «تعیین راهبردها و سیاستهای اجرایی سازمان»، «تصویب منشــور اخلاق حرفهای روزنامهنگاری، «تهیه و تصویب آیین نامه اداری

ت. در این بخش و بخش سوم، این مقاله با ارزیابی

حُسن اجراي وظايف سازُمان» و استیضاح رئیس کل سازمان». چگونه می توان امیدوار بود که استقلال حرفهای روزنامهنگاری ۱۰- به موحیت ماده ۱۰ این ۔ پیشنویس، رئیس کل سازمان را مجمع عمومي انتخاب كرده و به رئیسجمهـوری معرفی و رئیسجمهوری نیــز حکم او را

صادرمي كند ر ی صرہ یک همین مادہ اعلام مى كند ﴿ جِنانِجِهِ ئيس جمهور ، تخب شــورا را نيذيرد، شُورا براى بار دوم به تر تيب مذكور فر د دیگری رامعرفی می کند. یعنی رئیس جمهوری می تواند کسی را که یک تشکل مثلاً صنفی برای ریاست خسود برگزیده

است تأییدنکند و آن را به اصطلاح «و تو» کند. این تبصره مشخص نکرده است که اگر برای بار دوم هم رئيس جمهوري رئيس كل پيشنهاد دُوم را نَپذيرفت تكليف چيست؟! اين ماده و تبصـره آن از جهات حقوقىمختلفمحل نقدوا يراداست.

یک تشکل صنفی یکی از نهادهای جامعه مدنی است.رئيس،جمهورىعالى ترين مقام جامعه سياسى است.به عبارت دیگررئیس جمهوری یک مقام دولتی است و تشکل صنفی یک نهادمدنی. بنابه قواعد ساده حقوق یک مقام دولتی نمی تواند مرجع صدور حکم یک ساز مان صنفی مدنی باشد.

" ۱۱-اگر رئیس کل پیشــنهادی برای بــار دوم از سوی رئیس.جمهوری وتو شــود، تکلیف چیست؟ پیش نویس در غفلتی عجیب این سوال را بی جواب گذاشـــته اســـت. اما به لحاظ نظری به این پرسش دو پاســخ می توان داد. نخســت این که گفته شــود رئیسجمهوری موظف است دومین رئیس کل پیشنهادی مجمع را بپذیرد، به این معنا که

تندات به این معاونت، حق بیمه پر داختی ااز شُرُط پُردَّاخَتُ يکسالُ حق بيمهُ، از حق ُعضُويت در تشکل صنفي محروم کنند.

ت کی ۱/۰ ۱۵ - از حمله نتایج غلط شرط برداخت حق سمه برای عضویت در سازمان نظام رسانهای،این است که ِ سانه های وابسته به دولت و سازمان های عمومی از قُبیل کارکنان صداوسیُما، ایرنا، همشهری، کیهان، اطلاعات و ایران در این ســازمان غلبه می یابند. زیرا ین رسانه ها با تعداد زیاد کار کنان خود به دلیل در تمند، توانایسی پرداخت حق بیمه کارکنان خود را دارند. در مقابل رســانههای دیگر، اعم از سراسری را دارند. در مقابل رســانههای دیگر، اعم از سراسری استانی و شهرســـتانی که اغلب از نظر مالی و اداری در نهایت تنگنا و مضیقهاند، تقریباً نقش و ر ... ر ... در ســازمان نخواهندداشت و درنهایت این که شرط بر داخت حق سمه برای عضویت در سازمان به طریق فوق دولت بر جریان روزنامهٔنگاری کشور

حال ایس پیش نویس مانعی جدید افروده و کار روزنامه نگاری رانیز منوط به اخذ پر وانه روزنامه نگاری کرده است که مغایرت تام و تمام با آزادی های مشروع

وقاُنونی مطبوعات و کار روز نامه نگاری دارد. ۱۷ -چنانچه به شـر ایط عضویت در سازمان نظام رسانهای و آنچه در بندهای قبلی همین مقاله آمد د، تعداد کسانی که موفق به اخذ پروانه وب سود، نصف نسستی عصوبی به عنی پروند ر وزنامه نگاری از این سازمان می شوند، بسیار کمتر از کسانی خواهد بود که واقعا به کار روزنامه نگاری اشتغال دارند و الباقی محروم از حق تشکل صنفی مے شےوند، ہر چند کہ این پیش نویس را با این وضع مى توانُ ماهيتاً يك تشكل صنفى وُاقعى دانى

ی رہے ۔۔۔ ۱۸ - با توجہ بــه این که از نظــر این پیشنویس تنها کسانی که عضو این سازمان بــوده و پروانه روزنامهنــگاری دریافــت کردهانــد، روزنامهنــگار حسوب شده و از حقوق قانونی بهرهمند میشوند روزنامهٔنگاران زیادی از بسیاری از حقوق حرفهای محروم خواهند شد. مثلاً به سادگی ممکن است از ورودٌ خُبرنگارانی که مورد تأییداین سازمان به میدانهای مهم خبرگی مثل مجلس، وزار تخانهها ســازمانهای عمومی، دادگاهها و... ممانعت شود. و سے رسان کی عمومی، داد ماندورد، مساعت سود. درواقع مقررات این پیش نویس به شـکلی طراحی شده اســت که کلافرآیند گردش آزاد اطلاعات رااز استقلال ساقط كرده و أن رابه فرأيند دولتي گردشُ

ز حقوق روز نامه نگاران را بر شمر ده است. در این ماده نُ: رُوزِنامەنگاراني كە مطابق اين قانون عضو که این خدشهای بزرگ بسر حقوق مطبوعات و روزنامهنگاران است به این ترتیب اگر این پیشنویس ر رورستخدری ست به بین طبیع طریق پیشتویس را در نظر بگیریم، کستی که روزنامه نگار است اما به هر دلیل عضو این ســازمان نیست از حق دسترسی به اطلاعات (بند ۱) محروم اســت، از حق استفاده از ر وسایل صوتی و تصویری (بند ۲) محروم است، از حق حضور در صحنههای خبری (بند ۳) محروم است. غیر عضو از چنین حقی بهرهمندنیست واگر کسی به امنیت روزنامه نگار حین انجام وظیفه تعرض کردلابد جایز استاروزنامه نگار غیر عضو حق نقد وانتقاد (بند ۸)ندارد. حق انتشار و تحلیل و تفسیر (بند۵)ندارد. معنوی (بنید ۱۰) یا حق عضوییت در انجمن های بی(بند۱۲)همبرخوردارنید

در واقع این پیش نویس برای روزنامه نگاران غیر عضو ســـازمان نظام رســـانه، هيچ گونه حقى قايل نن^ا سے میں ہے۔ سے نتیجہ این نگاہ حقوقی این است کہ کلاً اِز نظر بيش نويس كسى كه عضوسازمان نيست اساساً حتى مرمطلبُدرنُسریاتمنتشرمی کنداز ... هیچیکازحقوق ذاتی این حرفه نمی توانداسن ادامهدارد

رئيس جمهورى به عنوان عالى ترين مقام كشور، ملزم یم یک سـازمان صنفی گردن بگذارد. درواقع در اينجا رئيس *ج*مهوري م ے و این مطلقاً خلاف شــان ریاستجمهوری است و بین سنده در قابل مجلس است. از سوی دیگر رئیس جمهوری در مقابل مجلس پاست که است. اما وقتی رئیس جمهوری، مجبور به صدور حکم رئیس کل باشد، بــه اقتضای قاعده ملازمه اختیار و مسئولیت، دیگر نمی تواند در مقابل

كسى يا جايى پاسخگو باشدو چنين چيزى با مبانى

رژیم حقوق اساسی ایران در باب ریاستجمهوری و بار لمان در تضادو تعارض است. ۱۲ - اماً پاسخ ديگري هم مي توان به پرسش فوق داد که اگر رئیسجمهوری رئیسکل پیشنهادی رانپذیرفت،سازمان نظام رسانه مکلف به تبعیت ار زیسترعت، میسورش مصرور بسید از رئیست که صورد نظر رئیست دائیس کلی چنین پاسخی به منزله این است که یک تشکل صنفی، عملابه یک اداره دولتی تبدیل می شود که رئیس آن توسط رئیس حمهوری تعیین می شود رئیس بوسط رئیس جمهوری حبیبی به موری وقتی رئیس جمهوری اختیار ردیا قبول رئیس کل پیشنهادی سازمان را داشته باشد، تبعاً این اختیار را ت که در طول دوره کاری رئیس سَازمان، به بقاى او اعتراض كرده و از شورايعالى يا مجمع عمومي بخواهد كه او را عزّل كُر دُه و تُسخ

دیگسری را جایگزیسن کنند در این صورت چگونــه می توان این ے حازمان را یک سازمان م ۔۔۔ ر ن دانست سازمانی که از هرجهت تحت سييطره دولت استٌ قطعاً اکثریت بزرگ روزنامه نگاران ا

ىەدلايل متعددى،

ازجمله اقتصادضعيف

بطبوعات نو پای ایران،

ايران فاقد يوشش خدمات

یری بیمهایاند.بهموجب آخرین مار که درسال ۱۳۹۲ از سوی

معاونت مطبوعاتی منتشر شده است. ۲۶۳۵ نشریه

دارای محوز در کشور منتشر

میشود که فقط ۸۰ نشریه و

سايت وخبر گزارى به معاونت

مطبوعاتي اعلام كردهاندكه

روزنامەنگارانخودرابيمە

ک دہاند

نقلمحسوً بنمى شود. سسست ر ، . ۱۳- موضوع عضویت در ازمان و شرایط آن، در ماده ۱۲ پیشنویـسمطـرحشـده است. یکی از شرایط عضویت در سازمان عبارت است از پرداخت حداقل يكسال سابقه بيمه ں ۔ توسط رسانهای که در آن اشتغال داشته و به سازمان معرفی شده است. پیشبینی چنین شرطی برای عضویت در تشکل صنفی ر درزنامهنگاری، نمونــه دیگری از . نایی این متن با شرایط روزنامهنگاری کنونی ایران است. در ایسن امر تردیدی ن

روزنامەنگاران بايد تحت پوشش بيمه قرار گيرندولي بیمه نبودن رانمی توان دلیلی برای محرومیت از یک حق اساسی، یعنی حق عضویت در تشکل صنفی قرار داد. این بـه منزله تضییع یکی از حقهای مهم روُزنَامەنگاراناست. ۱۴ - بە دلايل متعــدى،ازجملەاقتصاد ضع

۱۱- پداد پر محمد دی مرجمه اصحاد معید مطبوعات نوپای ایران، اکثر یت برز گر روز زامه نگاران ایران قاقد پوشش خدمات بیمهای الد به موجب آخرین آسار که در سال ۱۳۹۲ از سوی معاونت مطبوعاتی منتشر شده است، ۲۶۳۵ نشریه دارای مطبوعاتی منتشر شده است، ۲۶۳۵ نشریه دارای مجوز در کشور منتشر می شود. از این تعداد ۱۳۴۹ . . ریه در تهــران و ۱۲۸۶ نشــریه در اســتانهاو شهرستانهای دیگر منتشر می شود. از سوی دیگر . وجب اطلاعات منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی ، بر . ، ب معاونت مطبوعاتی که به استناد گزارش های دریافتی از نشریات و خبر گزاری ها و سایت های خبری تنظیم ر رید در است، فقط ۸۰ نشــریه و سایت و خبر گزاری به معاونت مطبوعاتی اعلام کردهاند که روزنامه نگاران

خود را بیمه کردهانسد. در این جااین توضیح ضروری است که براسساس یکی از تصمیمات بسیار خوب معاونت مطبوعاتی نشــریات و خبر گزاریهایی که کارکنان خــود را بیمه می کنند، می توانـــد با ارایه معاونت دریافت کنند. بررســی مختصر این آمارها مارا به این نتیجه می رساند که عدم شناخت شرایط

ئمكمىكند

۱۶-مبحــث هفتم ایــن پیش نویس بــه صدور پروانه خبرنگاری اختصاص یافته اســت. طبق ماده ۳۰ هیأتی مرکب از رئیس سازمان استان، عضو نیأتمدیره استان و نماینده مدیر کل استان مرجع سیدگی به تقاضاها و صدور پروانه روزنامهنگاریاند «پروانه روزنامهنگاری» دریافت کرده باش بیش از این به دفعات از سوی کارشناسان و روزنامهنگاران مورد نقد و رد قرار گرفته بود، مانعی جُدیدُ در مسَیر فعالیت مطبوعات و روزنامهنگاران ست. سال های زیادی است که نقد «پروانه انتشار» برای مطبوعات مطرح شده واکشر قریب به اتفاق کارشناسان معتقدند رژیم حقوقی "پروانه انتشار" برای مطبوعات روشی منسوخ و مغایر با موازین و . معیارهای ُحقــوُق و آزادی مطبوعات اســت

طلاعاتمبدلمیکند. ۱۹ مساده ۳۴ پیشنویسس بسه ذکر«حقسوق پ. ص رب روزنامهنگاران؛اختصاص یافتــه و در ۱ ۱ بند پارهای این سازمان نشدهاند از آن حقوق بهرهمند نی . روزنامهنگاران عضو این سازمان از حق امنیت حین نجام وظیفه روزنامهنگاری بهرهمند ولی روزنامهنگار اوحتی از حق استقلال حرفه ای (بند ۱۱) و مالکید